

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

(علمی-پژوهشی)

سال پنجم، شماره‌ی دوم (پیاپی ۱۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

ساخت‌های نحوی غالب در متون مطبوعاتی و تأثیر آن‌ها بر درک مطلب خوانداری غیرفارسی‌زبانان

طاهره وحیدی فردوسی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

علی‌علیزاده

دانشیار زبان‌شناسی - دانشگاه فردوسی مشهد

عطیه کامیابی گل

استادیار زبان‌شناسی - دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

شکی نیست که یکی از مهارت‌های اصلی زبان، مهارت خواندن است و استفاده از مطبوعات به‌عنوان یک مرجع می‌تواند روشی برای تقویت مهارت خواندن باشد. استفاده از این رسانه به زبان‌آموز کمک می‌کند ضمن دست یافتن به دانش لازم و کسب مهارت در زبان مورد نظر، به اختلافات فرهنگی دو جامعه‌ی زبانی مربوط نیز دست یابد. هدف اصلی از پژوهش حاضر، سنجش ظرفیت این رسانه به‌عنوان ابزاری آموزشی برای تدریس مهارت خواندن زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است؛ به این منظور در این مقاله رابطه‌ی پیچیدگی و درک متون مطبوعاتی را جهت سنجش درک خوانداری غیرفارسی‌زبانان بررسی می‌کنیم. از این‌رو به‌طور تصادفی در مجموع ۱۵۰۰ جمله از روزنامه‌های پرخواننده (همشهری، جام‌جم و ایران) در یک دوره‌ی دوماهه (از تاریخ پانزدهم تیرماه تا پانزدهم شهریورماه ۱۳۹۴) و از هر روزنامه به‌طور مساوی ۵۰۰ جمله در سه گروه اجتماعی، ورزشی و حوادث مورد بررسی قرار گرفت. پس از تعیین بسامد، هر یک از الگوهای پیچیده نحوی در پیکره انتخابی بر اساس مدل کوئرک و همکاران (۱۹۸۵) دسته‌بندی شدند و سپس از نظر میزان دشواری نیز بر اساس فرضیه نقص ساختاری اشتین و همکاران (۱۹۸۴) مورد بررسی قرار گرفتند. در این فرضیه اشکال در درک جمله‌های مرکب توسط زبان‌آموزان غیر ماهر به ضعف در درک نحوی نسبت داده می‌شود. نتایج نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار بین دشواری در درک جمله برحسب درجه‌ی پیچیدگی الگوهای نحوی به‌کار رفته در آن است. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که متون مطبوعاتی فارسی‌زبان در بیشتر موارد به دلیل کاربرد زیاد جمله‌های مرکب و پیچیده، جایگاهی ارکان جمله، کاربرد زیاد جملات مجهول و حذف سازه‌ها نمی‌توانند گزینه‌ای مناسبی برای تقویت مهارت خواندن و درک مفاهیم زبان‌آموزان به‌حساب آیند.

واژگان کلیدی: آموزش زبان فارسی، غیرفارسی‌زبانان، متون مطبوعاتی، الگوهای نحوی، مهارت خواندن.

۱. مقدمه

یکی از اهداف مهارت خواندن، به دست آوردن اطلاعات از متون نوشتاری است. فارسی‌آموزانی که زبان فارسی را یاد می‌گیرند باید این توانایی را پیدا کنند که به غیر از کتاب‌های درسی خود به متون مختلف دیگر نیز مراجعه نمایند. از جمله این متون می‌توان به متن‌های اصیل^۱ اشاره کرد که برای افراد بومی‌زبان نوشته شده و هدف آموزشی ندارند؛ برای نمونه اشعار، رمان‌ها، مقالات و مطبوعات (روزنامه، مجله،...) نمونه‌هایی از این مطالب هستند. کاربرد متن‌های اصیل در کلاس درس، روشی مناسب برای اهداف ارتباطی به شمار می‌آید (لارسن فریمن، ۲۰۰۲). هدف از ارائه‌ی متن‌های اصیل در محیط آموزشی و کلاس، آشنایی با کاربرد واقعی زبان است چون از این طریق ضمن آنکه زبان‌آموز، زبان دوم را یاد می‌گیرد با فرهنگ و جهان‌بینی زبان مقصد نیز آشنایی نسبی پیدا می‌کند (کروسلی^۲، ۲۰۰۷: ۱۵، به نقل از بهرامی). کاربرد رسانه از جمله متون مطبوعاتی در رابطه با زبان فارسی از چند جنبه حائز اهمیت است زیرا در شرایط کنونی که رسانه‌های خبری غربی (به دلایل مختلف)، تصویری ناقص و نادرست از فرهنگ ایرانیان ارائه می‌دهند، لازم است که فارسی‌آموزان به ابزار لازم برای درک و فهم اخبار و اطلاعات به زبان فارسی مجهز شوند تا دیدگاه فارسی‌زبانان را نیز در رابطه با وقایع دریابند. علاوه بر این می‌توان گفت که رسانه‌های نوشتاری منبعی بسیار غنی جهت گسترش مهارت‌ها و آگاهی‌های زبانی هستند. همچنین از این منبع می‌توان برای گسترش دایره‌ی لغات و مهارت بکار بستن واژگان استفاده کرد. یکی از متون بکار رفته در مطبوعات، اخبار منتشرشده در این رسانه‌ها است. اخبار ریشه در وقایع زندگی دارد و توده‌ی عظیمی از اجتماع را به‌عنوان جامعه هدف مورد خطاب قرار می‌دهد و به دلیل ارتباط بیشتر عموم افراد با وقایع خبری نقل‌شده در روزنامه‌ها متنی که برای رساندن خبر تولید می‌شود را می‌توان یکی از نزدیک‌ترین نمونه‌ها به متون اصیل ارتباط محور در زبان دانست که برای بیان آن ناگزیر باید از واژگانی بهره گرفت که بیشترین رابطه را با زندگی انسان‌ها دارد. گذشته از این، بیشتر فارسی‌آموزان بعد از دوره‌ی تحصیل یا فراگیری زبان به کشور خود بازمی‌گردند، حتی ممکن است بسیاری از آنان زبان فارسی را در کشور خود بیاموزند و دوری از محیط فارسی‌زبان می‌تواند به کاهش مهارت‌ها و درک زبانی آن‌ها منجر شود. حال آنکه با گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات که دسترسی هر فردی را در هر لحظه به رسانه‌های گروهی فراهم می‌آورد، می‌توان از رسانه‌های نوشتاری نیز برای تماس آن‌ها با زبان فارسی بهره گرفت؛ بنابراین استفاده از رسانه‌های نوشتاری همچون مطبوعات به صورت‌های مختلف و از جنبه‌های گوناگون به‌عنوان منابع کمک‌آموزشی می‌تواند به

^۱. authentic

^۲. Croosly

رشد مهارت‌های زبانی کمک کند. از طرف دیگر توانایی خواندن متون نوشتاری یکی از مهارت‌هایی است که همواره مورد نیاز زبان آموزان بوده است. با این وجود، به نظر می‌رسد مطبوعات در ایران به‌عنوان یکی از منابع کمک‌آموزشی در کلاس‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان هنوز به آن جایگاهی که بتوانند در کلاس‌های درس کاربرد آموزشی داشته باشند، نرسیده‌اند. البته دلایل زیادی را می‌توان برای این نقصان برشمرد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این واقعیت به نوع زبان به‌کاررفته در مطبوعات به‌ویژه الگوهای نحوی پرسیامد آن‌ها خواهد پرداخت. مطالعات حاکی از آن است که دانش واژگانی و آگاهی نحوی نقش مهمی در توانایی زبان آموزان برای کسب مهارت خواندن دارند (اندرسون و دیوسون، ۱۹۸۸). در این مقاله قصد داریم ضمن بررسی و توصیف برخی از رایج‌ترین ساختارهای زبانی و تعیین بسامد هر یک از آن‌ها در رسانه‌های نوشتاری، همبستگی بین پیچیدگی و دشواری نحوی را با توانایی درک خواندن در روزنامه‌های فارسی‌زبان برای غیرفارسی‌زبانان مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در تلاش است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

الف. الگوهای نحوی غالب در مطبوعات فارسی‌زبان که باعث پیچیدگی متن می‌شوند کدام‌اند؟

ب. به‌کارگیری الگوهای نحوی تا چه حد بر درک خوانداری فارسی‌آموزان مؤثر است؟

ابتدا به پیشینه مطالعات پیرامون نقش رسانه‌ها از جمله مطبوعات و زبان پرداخته می‌شود. پس از آن رویکردهای عمده در خصوص مهارت خواندن و ارتباط آن با شناخت الگوهای نحوی بررسی و سپس به ویژگی‌های برخی از ساخت‌های نحوی به‌کاررفته در روزنامه‌ها اشاره خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که ذکر شد، استفاده از رسانه‌های گروهی از جمله رسانه‌های نوشتاری در آموزش هر زبان دومی از جمله زبان فارسی ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین اگر هدف، نقش رسانه به‌عنوان یک منبع آموزشی است باید ظرفیت‌ها و ویژگی‌های آن شناسایی شود. از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه رسانه و مطبوعات انجام پذیرفته است می‌توان به مقاله ذوالفقاری (۱۳۸۵) تحت عنوان «آسیب‌شناسی زبان مطبوعات» اشاره کرد که از طراحی پژوهشی با عنوان «الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات» برگرفته شده است. وی در این پژوهش تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات پرخواننده (۱۲ هزار و ۳۲۰ جمله از ۲۲ نشریه) را از منظر الگوهای زبانی غیرمعیار در سه حوزه فنی، زبانی و بلاغی بررسی کرده است. در این پژوهش الگوهای زبانی معیار مطابق قواعد ساخت زبان فارسی پیشنهاد و روش‌های پرهیز از کاربرد غیرمعیار آن معرفی شده‌اند. خیرآبادی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «میزان حذف و جابجایی سازه‌های زبانی در سرعنوان‌های روزنامه‌های فارسی‌زبان» (ایران، اعتماد، همشهری، جام‌جم و کیهان) داده‌های خود را

به صورت مقطعی به مدت یک ماه جمع‌آوری نموده و از نظر گفتمانی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. عمده توجه وی در این پژوهش سرعنوان‌ها و متون مربوط به آن‌ها در صفحه اول روزنامه‌ها بوده است. نتایج حاصل از پژوهش وی نشان داد که حذف سازه‌های زبانی در مقایسه با جابجایی سازه‌ها از درصد بیشتری برخوردار است. خیرآبادی در این پژوهش همچنین بیان می‌کند بین عامل حذف سازگانی و ابهام در تشخیص معنا با زمان وقوع خبر رابطه مستقیم وجود دارد. به نظر وی با توجه به آمار به دست آمده، در سرعنوان‌ها یا متونی که جابجایی در آن‌ها بسیار اتفاق می‌افتد به دلیل کافی نبودن اطلاعات زبانی یا تغییر کانون توجه، حتی گویشوران بومی زبان فارسی نیز در درک معنا دچار مشکل خواهند شد و از این نظر بین گویشوران بومی و غیرفارسی‌زبان تفاوت چندانی وجود ندارد. پژوهش دیگر در حوزه‌ی مطبوعات، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد بهجت (۱۳۸۴) با عنوان «ابهام و ابهام در مطبوعات ورزشی» است. نگارنده در این پژوهش با بررسی چهار روزنامه‌ی ورزشی فارسی‌زبان، شش نوع «ابهام نحوی، ابهام ناشی از عوامل زبررنجیری، ابهام واژگانی و اصطلاحی، ابهام خوانشی، ابهام منطقی و ابهام تکواژی» به این نتیجه رسیده که نیمی از ابهام موجود در مطبوعات ورزشی را ابهام نحوی تشکیل می‌دهند. وی همچنین نشان داده است که در نشریات ورزشی فارسی میزان وقوع ابهام نسبت به ابهام از بسامد کمتری برخوردار است. قانون پرور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «فیلم‌های سینمایی ایرانی، متون فرهنگی برای تدریس به غیرفارسی‌زبانان برای کسب مهارت‌های لازم» فیلم‌های سینمایی ایرانی را به عنوان روشی کاربردی جهت معرفی گویش اصیل ایرانی و طبیعی فارسی می‌داند و استفاده از آن را برای تدریس مکالمه، یک مرجع قابل اعتماد برای درک اختلافات فرهنگی و فرهنگ زبان مقصد معرفی می‌کند. به نظر وی تماشای فیلم باعث افزایش مهارت‌های شنیداری گفتاری زبان آموزان می‌شود. پژوهش دیگر در این زمینه، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رجایی (۱۳۸۹) با عنوان «تعیین واژگان پرسامد در رسانه‌های خبری فارسی‌زبان برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان» است. او در این پژوهش پیکره‌ای شامل یکصد هزار واژه از واژگان رایج در رسانه‌های خبری مکتوب فارسی را بررسی کرده و پس از شمارش و تهیه‌ی بسامد واژه‌ها، در نهایت تعداد هشتصد واژه‌ی پرسامد را مشخص کرده تا به عنوان منبعی در اختیار مؤلفین کتب آموزشی برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان قرار گیرد. وکیلی فرد و دیگران (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی بسامد تکرار زمان‌های دستوری در گفتار و نوشتار، در جستجوی اولویت‌های آموزشی دستور زبان فارسی» پیکره‌ای از گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی را از متون مطبوعاتی تهیه کرده و با انتخاب تصادفی بیش از ۷۰۰ مقاله از روزنامه‌های پرخواننده و برجسب‌گذاری حدود ۳۰ هزار فعل از میان آن‌ها، تلاش کرده‌اند تا پیکره‌ی منسجمی از افعال به کاررفته در نوشتار را جمع‌آوری کنند. تعدادی از پژوهشگران نیز لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌هایی را برای واژگان و اصطلاحات رایج در رسانه‌های خبری تدارک دیده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به رحیم‌پور (۱۳۸۷) اشاره

کرد که اقدام به تهیه‌ی فرهنگ لغات و اصطلاحات رسانه‌های خبری (مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سایت‌های خبری) کرده است. با توجه به اهمیت مهارت خواندن پژوهش‌هایی نیز در این حوزه انجام گرفته که عمده‌ی تحقیقات انجام‌شده در ایران به مباحث تحلیل کلام و تأثیر آگاهی از عوامل انسجام و دانش واژگانی پرداخته است. چون هدف ما از این پژوهش پرداختن به ارتباط ساختار نحوی و توانایی درک مطلب است به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیز می‌پردازیم. پیرامون ارتباط ساختارهای نحوی و درک مطلب تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند تحقیقات زیادی در ایران انجام نشده است. از جمله تحقیقات انجام‌شده در این زمینه می‌توان به تحقیق فرخ (۱۳۸۰) و پازوکی (۱۳۹۱) استناد کرد. فرخ (۱۳۸۰) در این مورد به بررسی ساده‌سازی متن بر درک مطلب خواندن پرداخته و با تأکید بر عدم استفاده از جملات مرکب و پیچیده نشان داده است که ساده‌سازی متن، درک مطلب را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. در پژوهشی دیگر پازوکی و همکاران (۱۳۹۱)، فرایند خواندن را مشتمل بر بازشناسی دیداری واژه، شناسایی و استخراج معنا در سطح عبارت یا جمله و انسجام بین گزاره‌های متن می‌دانند؛ بنابراین مشکلات خوانندگان غیر ماهر^۱ را در سه سطح درک واژه، تحلیل نحوی جملات متن و ایجاد انسجام میان گزاره‌های متن طبقه‌بندی می‌کنند و آگاهی از ساخت‌های نحوی را یکی از عوامل مهم در شناسایی معنا در سطح جمله بیان می‌کنند. وی ضمن بررسی رابطه بین الگوهای نحوی جملات زبان فارسی با درک متن، به نقش حافظه‌ی فعال نیز در این رابطه پرداخته است. پازوکی (۱۳۹۱) پژوهش خود را بر روی دانش‌آموزان چهارم دبستان با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از مدارس دخترانه و پسرانه در سه منطقه از تهران انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داد که شناخت بیشتر از ساخت‌های نحوی به‌طور معناداری درک متن را افزایش می‌دهد. اگرچه در ایران تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است، اما در کشورهای دیگر در این حوزه تحقیقات گسترده‌تری صورت پذیرفته که می‌توان به پژوهش‌هایی مانند والتزمن و کیرنز (۲۰۰۰)، کین و اکهیل (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶)، تونمر و هور (۱۹۹۳)، اسنو (۲۰۰۲) اشاره کرد. بسیاری از این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای درک متن لازم است فرد معنای واژه‌ها را هم در سطح جمله و هم در سطح گروه تشخیص دهد. به عبارتی شخص باید بتواند به ارتباط معنای واژه در سطح جمله پی ببرد. بسیاری از تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که در فرایند خواندن شناخت الگوهای نحوی در شناسایی و استخراج معنا در سطح عبارت یا جمله بسیار مهم است. یکی از تحقیقاتی که به بررسی ساختار بند موصولی پرداخته و دانش نحوی خوانندگان ماهر و غیر ماهر را در ارتباط با آن مقایسه کرده است، تحقیق اشتین و همکاران (۱۹۸۴) است. این پژوهش نشان داده است که خوانندگان ماهر^۲ نسبت به خوانندگان غیر ماهر عملکرد

^۱ به نظر می‌رسد منظور وی از خوانندگان غیرماهر خوانندگان مبتدی هستند که در مراحل اولیه زبان‌آموزی قرار دارند.

^۲ به نظر می‌رسد نظر وی از خوانندگان ماهر افرادی هستند که در مرحله‌ی پیشرفته زبان‌آموزی قرار دارند.

بهتری در مورد ساخت‌های نحوی پیچیده مانند عبارات موصولی داشته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عملکرد کودکان طبیعی به‌عنوان خوانندگان ماهر مانند بزرگسالان بوده است. در واقع، این کودکان تحلیل و تفسیر خود را از جملات مرکب بر اساس تحلیل ساختاری سلسله مراتبی قرار داده‌اند. این در حالی است که خوانندگان غیرماهر تحلیل خطی مربوط به مراحل ابتدایی توانایی زبان را به‌کار برده‌اند و در درک جملات موصولی با مشکل مواجه بوده‌اند (به نقل از پازوکی، ۱۳۹۱: ۶۵). پژوهش دیگر در مورد تأثیر ساختار نحوی بر درک متن مربوط به نیشن و اسنولینگ (۲۰۰۰) است. آن‌ها در پژوهش خود، نقش آگاهی نحوی را در توانایی خواندن بررسی کرده‌اند. مطالعات آن‌ها بر روی ۱۵ کودک طبیعی و ۱۵ کودک ضعیف بیان‌گر این است که خواننده‌های غیر ماهر در آزمون دانش نحوی ضعیف‌تر از گروه دیگر عمل می‌کنند. به عبارتی خواننده‌های غیر ماهر نسبت به خواننده‌های طبیعی در رشد آگاهی نحوی عقب‌تر هستند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر به تأثیر ساختارهای نحوی پیچیده بر درک خواننداری در زبان آموزان غیرفارسی‌زبان می‌پردازد. بدین منظور ابتدا الگوهای پیچیده نحوی که از بسامد بالاتری در مطبوعات برخوردار هستند شناسایی و میزان بسامد هر یک از آن‌ها مشخص خواهد شد. ساخت‌های نحوی مورد مطالعه نیز منطبق با دسته‌بندی کوئرک (۱۹۸۵) انتخاب گردیده‌اند. از نظر کوئرک (۱۹۸۵) از جمله مواردی که باعث پیچیدگی‌های نحوی در متن می‌شود، عبارتند از: ترکیب‌بندهای پیرو در جمله؛ جایگاه بندهای پیرو؛ جملات درونه‌ای؛ وابستگی در برابر همپایگی؛ جمله‌های مجهول و ابهام ساختاری.

خواندن و درک مطلب، پایه و اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد و به‌منظور ارتقای هر چه بیشتر سطح درک خواندن غیرفارسی‌زبانان ابتدا باید مشکلات آن‌ها مشخص شود و سپس به تهیه و تدوین متون مناسب و کمک‌آموزشی اقدام کرد. از این‌رو زبان‌آموز باید به‌طور مکرر در معرض متون نوشتاری قرار گیرد و بر جنبه‌هایی از زبان که به میزان زیادی برای او مشکل‌ساز است تأکید گردد. بدین منظور پس از تعیین و معرفی ساخت‌های نحوی، داده‌های پژوهش بر اساس فرضیه‌ی نقص ساختار یاشتین و همکاران (۱۹۸۴)، که مشکل افراد را در خواندن به پردازش نحوی و اشکال در فراگیری ساخت‌های پیچیده نحوی نسبت می‌دهد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اشتین و همکاران (۱۹۸۴) در ارتباط با مشکل افراد در مورد خواندن و درک مفاهیم دو فرضیه را مطرح نموده‌اند. ۱) فرضیه‌ی محدودیت پردازش واج‌شناختی که مشکل افراد را در خواندن به نقص در پردازش واج‌شناختی آنان نسبت می‌دهد و ۲) فرضیه‌ی نقص ساختاری که مشکل افراد را در خواندن به پردازش نحوی و اشکال در فراگیری ساخت‌های پیچیده نحوی زبان مرتبط می‌داند. بر اساس فرضیه‌ی دوم، عدم آگاهی از ساختار نحوی باعث دشواری در خواندن و درک مفاهیم

متون می‌شود. این دیدگاه بیان می‌کند که ترتیب فراگیری ساختار دستوری به ترتیب از سطح ساده به پیچیده است و خوانندگان غیر ماهر و مبتدی مشکل بیشتری با این ساختار دارند. یکی از نظرات موجود درباره‌ی منبع پیچیدگی نحوی این است که اگر زبان‌آموز با ترتیب خاصی از واژگان مثلاً ساخت فاعل، مفعول، فعل در زبان فارسی، آشنا باشد و با روساختی مواجه شود که خلاف انتظار اوست، می‌توان گفت که درک آن ساختار برای زبان‌آموز مشکل خواهد شد (فرخ، ۱۳۸۰: ۳۳-۲۸)؛ بنابراین به نظر می‌رسد درک نحوی می‌تواند یک معیار برای درک مطلب متون نوشتاری باشد؛ به عبارت دیگر بین درک نحوی و خواندن می‌توان یک ارتباط دوطرفه در نظر گرفت. هرچند دانش واژگانی هم یکی از مؤلفه‌های لازم برای درک متن است ولی نقص در دانش واژگانی به‌تنهایی خواننده را با مشکل درک متن مواجه نمی‌کند زیرا با تجزیه واژه‌ها می‌توان به مفهوم بسیاری از کلمات دارای ابهام ساختاری و معنایی پی برد (اندرسون و دیوسون، ۱۹۸۸). البته در مورد روابط ساختاری و ارتباط آن با توانایی درک مطلب در خواندن، اطلاعات خاص هر زبان نیز تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال معنی بسیاری از کلمات از طریق ساختار درونی واژه قابل‌شناسایی است؛ مثلاً بیش از نیمی از کلمات در متون انگلیسی را واژگان مشتق^۱ و مرکب^۲ تشکیل می‌دهند که از طریق تجزیه ساختاری خواننده می‌تواند معنی آن را استنباط کند (نیگی و اندرسون، ۱۹۸۷)؛ بنابراین شواهد حاکی از آن است که آگاهی نحوی و ساختاری با هم به شناسایی واژه کمک و از این طریق رشد مهارت خواندن را آسان می‌نماید (تونمر و هور، ۱۹۹۳). لازم به ذکر است که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با همبستگی بین درک نحوی و توانایی خواندن بر روی فراگیری زبان اول و افراد دوزبانه انجام شده است؛ اما به نظر می‌رسد این تحقیقات می‌تواند در مورد زبان دوم و زبان خارجی نیز به‌صورت تجربی نتایج مفیدی داشته باشد.

۴. روش پژوهش

پیکره مورد استفاده‌ی نگارندگان در این پژوهش روزنامه‌های پرخواننده صبح ایران (همشهری، جام‌جم و ایران) است که در یک دوره دو ماهه (از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱۵ تا ۱۳۹۴/۶/۱۵) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به توضیح است که روزنامه‌های نامبرده از جمله روزنامه‌های پرمخاطب به‌شمار می‌روند. این پیکره شامل ۱۵۰۰ جمله است که به‌صورت تصادفی از هر روزنامه ۵۰۰ جمله به‌طور مساوی در سه گروه اجتماعی، ورزشی و حوادث در قالب خبر، گزارش و مقاله انتخاب شده است. سپس جمله‌های گزینش شده با مراجعه به ساختارها و الگوهای نحوی مطرح شده در طبقه‌بندی کوئرک (۱۹۸۵) مورد بررسی و بر اساس

1. derivation
2. compound

آن ابتدا بسامد هریک از ساخت‌های نحوی پیچیده موجود در این جمله‌ها مورد سنجش قرار گرفت برای ارزیابی درک نحوی روش‌های مختلفی وجود دارد. یکی از آن‌ها بررسی خطاهایی است که زبان‌آموزان در نوشتار انجام می‌دهند. جهت آزمون درک نحوی، ۳۶ نفر از غیرفارسی‌زبانان «مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد» انتخاب شدند. (به دلیل آنکه روزنامه‌ها مخاطب عام دارند عامل جنس و سن در نظر گرفته نشده است). برای انجام آزمون درک نحوی جملاتی از پیکره‌ی تهیه شده از الگوهای نحوی روزنامه‌ها، برای غیرفارسی‌زبانان سطح پیشرفته‌گزینه‌ش شد. به‌منظور دستیابی به درک نحوی آزمونی به روش تشریحی در اختیار جمعیت نمونه قرار گرفت. سپس جمله‌های هر بخش به تفکیک شماره در اختیار زبان‌آموزان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد جمله‌های مورد نظر را بازنویسی^۱ نمایند. پس از تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها میزان دشواری هر جمله بررسی شد. برای تعیین سطح و میزان درک فارسی‌آموزان (آزمودنی‌ها) از جملات داده شده پاسخ‌هایی که از طرف آنان دریافت شده است مد نظر قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، برای درک آزمودنی‌ها از جمله‌ها با سه سطح مواجه هستیم: یک سطح که شامل جملات درک نشده‌اند، سطحی که جملات آن ناقص درک شده‌اند و سطح دیگر که جملاتش کاملاً از سوی زبان‌آموز درک شده است. لازم به توضیح است به منظور این‌که زبان‌آموزان در سطح واژه و درک معنی آن با مشکل روبرو نباشند برای واژه‌های نامأنوس که از نظر معنایی از بسامد کمتری در فارسی برخوردارند، معادل‌های آشناتر و بعضاً توصیف‌های کافی فراهم و در اختیار زبان‌آموزان قرار گرفت.

۵. بحث و بررسی

همان‌طور که ذکر شد، پیکره‌ی پژوهش شامل ۱۵۰۰ جمله بود که از سه روزنامه‌ی پرخواننده تهیه شده است. به‌عنوان نمونه چند مورد از ساختارهای نحوی مورد مطالعه در روزنامه‌های منتخب در بخش‌های زیر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱.۵. کاربرد جملات طولانی

نکته قابل‌توجه در بررسی انجام‌شده، کاربرد جملات طولانی است که بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. ساختار طولانی جملات به‌ویژه در متون خبری بیشتر رایج است که در بسیاری از موارد کاربرد بعضی از عناصر در آن‌ها حشو است و قابل حذف می‌باشد. بدیهی است جملاتی که طولانی هستند هم از نظر ساختاری پیچیده‌ترند و هم بار بیشتری برای پردازش بر حافظه تحمیل می‌نمایند. بنابراین، بیشترین مشکل درک معنایی به خاطر فراوانی عناصر زبانی در آن‌ها است؛ زیرا نویسندگان با طرح چند موضوع مرتبط به هم در جملات همپایه و ناهمپایه با یکدیگر سعی در انتقال پیام خود به مخاطب را دارد که البته خود

^۱. paraphrase

باعث پیچیدگی متن می‌شود. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درک مفاهیم هر جمله با تعداد واژه‌های آن رابطه معکوس دارد. هر چه تعداد واژه‌های یک جمله کمتر باشد، درک مفهوم آن آسان‌تر است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۹). روزنامه‌نگار باید به‌ویژه در نگارش مطالبی چون خبر، از نوشتن جملات طولانی و مرکب خودداری کند، زیرا چنین نوشته‌ای نه تنها به آسانی قابل فهم نیست بلکه خواننده را از خواندن خبر دلسرد می‌کند (بدیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

* دولت آمریکا از «دیوان عالی» این کشور خواست با درخواست تجدید نظر بانک مرکزی ایران برای جلوگیری از پرداخت حدود ۲ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده بانکی ایران به شاکیان یک پرونده مخالفت کند (ایران، ۹۴/۶/۲).

در توضیح این جمله‌ی مرکب ناهمپایه می‌توان گفت که فعل اصلی این جمله «خواستن» است. این فعل بر اساس ویژگی‌های زیر مقوله‌ای خود از جمله فعل‌های متعدی است که مفعول خود را به صورت یک جمله‌واره متممی گزینش می‌نماید (غلامعلی زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۰). در زبان فارسی هنگامی که مفعول جمله در قالب یک گروه اسمی ظاهر می‌شود قبل از فعل قرار می‌گیرد و به دلیل همسانی آن با الگوی بی‌نشان فاعل، مفعول، فعل^۱ در این زبان و به تبع آن قرار گرفتن فعل در پایان جمله قابلیت پردازش آن هم در حافظه افزایش می‌یابد. این در حالی است که به دلیل ظهور مفعول این جمله به صورت یک جمله‌واره‌ی وابسته متممی و به خصوص به دلیل قرار گرفتن آن پس از فعل «خواست» خواننده با مشکل مواجه خواهد بود. نکته دیگر در مورد جمله‌ی ذکر شده، کاربرد گروه حرف‌اضافه‌ای در کنار اسم است. گروه‌های اسمی می‌توانند بسیار طولانی باشند یا تنها از یک هسته تشکیل شده باشند. اسم‌ها هم مانند فعل‌ها می‌توانند متمم‌ها و افزوده‌هایی داشته باشند. از جمله مهم‌ترین افزوده‌ها در گروه اسمی، صفت، گروه حرف‌اضافه‌ای و یا حتی گروه اسمی دیگری است که به عنوان وابسته عمل می‌نماید (پیر جانی، ۱۳۹۰: ۹۶). ساده‌ترین شکل گروه اسمی آن است که در فرآیند فراقکنی^۲ خود از یک صفت (به عنوان وابسته) و اسم (هسته) تشکیل شود (غلامعلی زاده؛ ۱۳۸۶: ۵۵) ولی در نمونه‌ی بالا که گروه حرف‌اضافه‌ای به عنوان وابسته پسین به اسم ملحق شده آن را به ساختی پیچیده‌تر از حد متعارف برای یک گروه اسمی مبدل ساخته است.

۲.۵. کاربرد مجهول

به عقیده گیوی و انوری (۱۳۹۰: ۵۱) در زبان فارسی فعل مجهول در موارد زیر به کار می‌رود:

۱- زمانی که فاعل را نمی‌خواهیم در جمله ذکر کنیم.

۲- وقتی گوینده توجه به فعل دارد و «فاعل» یعنی کننده کار مورد نظر نیست.

1. SOV

2. projection

۳- گوینده به عمد نخواهد نام فاعل را به میان آورد یا اهمیت فعل و مفعول مطرح باشد.

اما در متون مطبوعاتی بسیاری از جمله‌ها با وجود آنکه فاعل و عامل انجام کار در جمله مشخص هستند نیز از ساختار مجهول استفاده می‌شود. جمله‌ی مجهول یکی از ساخت‌هایی است که کودک در زمان نسبتاً طولانی فرامی‌گیرد. این ساخت هم از نظر ساختاری و هم از نظر مفهومی از ساخت‌های زبانی به شمار می‌آید که در انتهای مسیر فراگیری زبان به وقوع می‌پیوندد. فراگیری جمله معلوم از ابتدا در برنامه فراگیری زبان در کودک فعال است. او تمامی جملات را از ابتدا به صورت معلوم به کار می‌برد. ولی جمله‌ی مجهول یکی از ساخت‌های دستوری نسبتاً پیچیده و دشوار است که زمانی بسیار طولانی نیاز است تا کودک آن را فراگرفته و بر کاربرد آن تسلط یابد (کشاوری‌زمنش، ۱۳۹۳: ۱۰۲). لذا می‌توان گفت درک و پردازش ساختار معلوم ساده‌تر از مجهول است. این در حالی است که بسامد ساخت جمله‌های مجهول در مطبوعات نسبتاً بالا است. مثال‌هایی از این نوع ساخت در روزنامه‌های منتخب:

الف- از سوی معاونت سیاسی امنیتی استانداری کرمانشاه تیمی از کارشناسان به این شهر اعزام شد (همشهری ۱۳۹۴/۶/۸)

ب- معاونت سیاسی امنیتی استانداری کرمانشاه تیمی از کارشناسان را به این شهر اعزام کرد.

الف- بر اساس اعلام کارشناسان، انحراف به چپ از سوی راننده خودروی سمند مهم‌ترین علت این حادثه عنوان شده است (جام جم ۹۴/۶/۱۱)

ب- کارشناسان انحراف به چپ از سوی راننده خودروی سمند را مهم‌ترین علت این حادثه اعلام کردند.

۳.۵. حذف سازه‌ها

چنانچه جمله‌های همپایه، سازه‌ای در اشتراک داشته باشند، آن سازه در جمله‌ی نخست ظاهر می‌گردد، اما در جمله‌های بعدی حذف می‌شود (غلامعلی زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۷). در اینجا منظور از حذف، حذف بدون قرینه و یا حذف در داخل گروه اسمی است. در نگاه اول به نظر می‌رسد بسیاری از عناصر زبانی در مقوله حشو قرار دارند و باید از زبان مطبوعات حذف شوند، اما باید به این نکته هم دقت کرد که این کلمات و عبارات گاهی بار معنایی خاصی دارند و برای ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف کلام به کار می‌روند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۹). البته گاهی حذف سازه‌های زبانی باعث ایجاد ابهام می‌شود و مخاطب را در انتقال معنا به اشتباه می‌اندازد مانند حذف بدون قرینه فعل در نمونه زیر:

۱- مأموران هنگام کنترل خودروهای عبوری در یکی از محورهای مواصلاتی به یک دستگاه خودرو و وانت

پیکان مظنون و دستور ایست دادند که راننده بدون توجه اقدام به فرار کرد. (همشهری ۱۱/۶/۹۴)

۲- مأموران هنگام کنترل مظنون شدند و دستور ایست دادند

۴,۵. جابجایی ارکان جمله

هر زبان با توجه به ساخت زبانی خود آرایش سازه‌های ویژه مربوط به خود را دارد. به‌عنوان مثال از نظر کریمی (۱۹۸۹) الگوی غالب در آرایش سازه‌های زبان فارسی «فاعل+مفعول+فعل» است. با تغییر محل سازه‌ها نویسنده قصد دارد آن سازه را در مرکز توجه قرار دهد یا آن را از کانون توجه خارج کند. لذا این تغییر جایگاه سازه باعث می‌شود نویسنده معنا و منظور متفاوتی را بیان کند. چنانچه گوینده بخواهد بر مفهوم سازه‌های تأکید بنهد آن سازه را از جایگاه اصلی خود به آغاز جمله انتقال می‌دهد. این انتقال را مبتداسازی^۱ گویند (غلامعلی زاده، ۱۳۸۶: ۲۰۷). جابجایی سازه‌ها نه تنها بر معنا تأثیر می‌گذارد بلکه ساخت اطلاعی جمله را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر جمله حاوی پیامی از سوی گوینده یا نویسنده برای مخاطب خود بوده و یکی از ابزارهای انتقال این پیام، شیوه آرایش سازه‌ها است. تغییر آرایش سازه‌های جمله گاه معنای تحلیلی آن و گاه معنای ارتباطی آن را تغییر می‌دهد. همچنین ممکن است جملاتی با واژگان یکسان و آرایش سازه‌های مختلف از نظر معنای تحلیلی با یکدیگر تفاوتی نداشته باشند، اما به لحاظ ساخت اطلاعی متفاوت باشند (راسخ مهند، ۱۳۸۵: ۲۴۷-۲۴۵).

الف- او سابقه حضور در تیم هما را به‌عنوان مربی در کارنامه‌ی خود دارد (ایران ۹۴/۵/۴)

ب- او به‌عنوان مربی سابقه حضور در تیم هما را در پرونده خود دارد.

یا به‌عنوان مثال در نمونه زیر نویسنده با مبتداساختن «در پرونده تخلفات» جمله را از صورت بی‌نشان خارج کرده. هرچند بیان جمله از نظر نویسنده برجسته‌سازی می‌باشد اما درک مفهوم جمله برای یک غیرفارسی‌زبان مشکل‌تر است.

الف- در پرونده تخلفات کسانی که در عضو هیأت دستگاه‌ها هستند هم از دستور کار هیأت رسیدگی خارج می‌شوند و موارد به هیأت تخلفات خود دستگاه‌ها ارجاع داده می‌شود و در همان‌جا باید به پرونده رسیدگی شود (ایران ۹۴/۵/۲۲)

که برای این جمله می‌توان جمله زیر را پیشنهاد داد.

ب- کسانی که عضو هیأت دستگاه‌ها هستند هم در پرونده تخلفات از دستور کار رسیدگی خارج

می‌شوند

۵,۵. خروج بند موصولی

جمله‌واره‌ی موصولی می‌تواند بر اثر عملکرد گشتار خروج به جایگاه پس از فعل انتقال یابد (غلامعلی زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۴). در اکثر زبان‌ها بندهای موصولی سنگین (طولانی) راحت‌تر و بیشتر جابجا می‌شوند. با

^۱. topicalization

اینکه تعاریف متفاوتی از «وزن دستوری» شده است، اما نقطه مشترک همه آن‌ها این است که اگر یک سازه نسبت به سازه‌های دیگر درون جمله طول و یا پیچیدگی بیشتری داشته باشند وزن دستوری آن نیز بیشتر است (هاوکنز ۲۰۰۴؛ واسو، ۲۰۰۲). بر اساس اصل سنگینی^۱ در انتها (واسو، ۲۰۰۰: ۳۲) سازه‌های سنگین در انتهای جمله قرار می‌گیرند. اگر طول بند موصولی بیشتر از گروه فعلی باشد احتمال خروج بیشتر است. فرانسیس (۲۰۱۰: ۳۸) تأثیر سنگینی بر خروج را به دو حوزه پردازش و تولید جملات نسبت داده است. گیوان (۲۰۰۱: ۲۱۰) می‌گوید حضور بندهای موصولی در وسط جمله باعث می‌شود اجزای بند اصلی از هم جدا شوند و باعث سخت‌تر شدن پردازش و درک جمله می‌شود (به نقل از راسخ مهند، ۱۳۹۱).

الف- رئیس پلیس فتای تهران از دستگیری کارمند یکی از بانک‌های دولتی که با استفاده از سیستم چکاوک اقدام به برداشت بیش از ۱۲ میلیارد از حساب مشتریان کرده بود، خبر داد (ایران ۹۴/۶/۱۵)

ب- رئیس پلیس فتای تهران از دستگیری یکی از بانک‌های دولتی خبر داد که با استفاده از سیستم چکاوک اقدام به برداشت بیش از ۱۲ میلیارد از حساب مشتریان کرده بود.

در جمله‌ی اول برگرفته از روزنامه ایران مورخ ۹۴/۶/۱۵ بند موصولی طولانی باعث ایجاد اشکال در درک جمله اصلی می‌شود. بدیهی است در جمله‌ی (ب) جابجایی این بند به آسان‌تر شدن پردازش آن از سوی خواننده منجر خواهد شد. امری که از چشم ویراستار این روزنامه پوشیده مانده است.

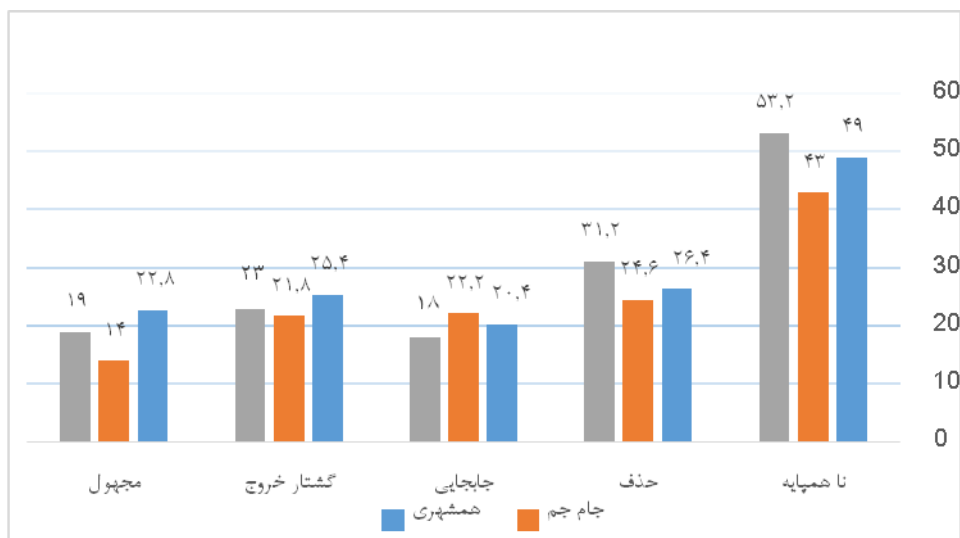
۶. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها نتایج هر قسمت تجزیه و تحلیل شد. سپس میانگین و درصد هر یک از ساختارهای نحوی تعیین شده با یکدیگر مقایسه گردید. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها طبق جدول شماره ۱، بیشترین ساختار از نمونه‌های مطرح شده در دسته‌بندی کوثرک (۱۹۸۳) در هر سه روزنامه موردبررسی، مربوط به ساختار ناهمپایه و کاربرد جملات طولانی می‌باشد و کمترین درصد متعلق به کاربرد نامناسب ساختار مجهول است.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد متغیرهای ساختار نحوی در سه روزنامه مورد بررسی

ساختار مجهول	بند موصولی سنگین		جابجایی سازه		حذف سازه		ساختار ناهمپایه		متغیر نشریه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱۹٪	۹۵	۲۳٪	۱۱۵	۱۸٪	۹۰	۳۲،۲٪	۱۵۶	۵۳،۲٪	۵۳	ایران
۲۲،۸٪	۱۲۴	۲۵،۴٪	۱۲۷	۲۰،۴٪	۱۰۲	۲۲۶،۴٪	۱۳۲	۴۹٪	۲۴۵	همشهری
۱۴٪	۷۰	۲۱،۸٪	۱۰۹	۲۲،۲٪	۱۱۱	۲۴،۶٪	۱۲۳	۴۳٪	۲۱۵	جام‌جم

۱. end- weight principle



نمودار ۱. درصد متغیرهای ساختار نحوی در روزنامه‌های مورد بررسی

اگرچه همه ساخت‌های مورد بررسی بسامد نسبتاً بالایی را در متون انتخاب شده نشان می‌دهند اما به نظر می‌رسد در متون مطبوعاتی فارسی‌زبان پیچیدگی دستوری بیشتر از نوع جمله‌های مرکب نا همپایه است (۴۳٪، ۴۳٪ و ۵۲،۳٪ درصد به ترتیب در روزنامه‌های جام‌جم، همشهری و ایران). از آنجاکه بسامد بالای ساختار جمله‌های مرکب با میزان پیچیدگی متن رابطه‌ی مستقیم دارد (اشتین و همکاران، ۱۹۸۵) متن روزنامه را به متنی سنگین برای درک مخاطب به‌ویژه مخاطب غیرفارسی‌زبان به‌عنوان خواننده‌ای غیرماهر تبدیل کرده است. در ادامه تأثیر این ساخت‌های پیچیده دستوری بر میزان درک خوانداری زبان‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۶. میزان درک خوانداری غیرفارسی‌زبانان

جهت آزمودن رابطه پیچیدگی ساخت‌های نحوی و درک آن‌ها، ۳۶ نفر از غیرفارسی‌زبانان «مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد» به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. برای انجام آزمون درک نحوی، سه مجموعه مرکب از چهار جمله‌ی جداگانه و مستقل از میان پیکره‌ی تهیه شده که حاوی حداقل یکی از الگوهای نحوی منتخب بودند (شامل موضوع‌های مختلف حوادث، اجتماعی و ورزشی) برای غیرفارسی‌زبانان سطح پیشرفته گزینش شد. به‌منظور دستیابی به درک نحوی آزمون‌ی به روش تشریحی در اختیار جمعیت نمونه قرار گرفت. بدین ترتیب، جمله‌های منتخب حاوی حداقل یکی از ساخت‌های پیچیده نحوی برای هر مجموعه به تفکیک شماره در اختیار زبان‌آموزان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد جمله‌های مورد نظر را بازنویسی کنند به منظور اینکه نظر شخصی نگارنده در ارزیابی آزمون‌ی‌ها دخالت

نداشته باشد پرسش‌نامه توسط دو مصحح متخصص در این رشته نیز مورد بررسی قرار گرفت و مجموع نظرات مصححان مبنای سنجش قرار گرفته است. در این تحقیق، ملاکی که برای سنجش میزان درک خواننداری غیرفارسی‌زبانان مد نظر قرار گرفته، به صورت تحلیل محتوا و کیفی است و توانایی تشخیص منظور نویسنده توسط آزمودنی‌ها برای متون یاد شده مورد نظر می‌باشد. پس از تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها و تعیین رابطه و تفاوت معنایی بین جمله‌هایی که توسط آزمودنی‌ها تولید شده بود و جمله‌های اصلی حاوی ساخت‌های نحوی منتخب، میزان دشواری هر جمله بررسی شد. ملاک میزان دشواری پاسخ‌هایی است که از طرف فارسی‌آموزان دریافت شده است. بدین معنی که تعداد پاسخ‌های مرتبط و صحیح به معنی درک جمله و به منزله سطح ساده برای آن و میزان پاسخ‌های غلط به معنی سطح دشواری جمله تلقی گردید و پاسخ‌هایی که تا حدودی قابل قبول بودند با سطح دشواری متوسط ارزیابی شدند.

جدول ۲: فراوانی پاسخ‌ها از طرف فارسی‌آموزان به درجه دشواری جمله‌ها در روزنامه‌های منتخب

مجموعه سوم - اجتماعی (جام جم)			مجموعه دوم - ورزشی (همشهری)			مجموعه اول - حوادث (ایران)			نوع جمله‌ها
دشوار	متوسط	ساده	دشوار	متوسط	ساده	دشوار	متوسط	ساده	شماره جمله
۱۲	۱۴	۱۰	۲۴	۸	۴	۱۱	۱۷	۸	جمله ۱
۱۴	۱۶	۶	۱۹	۱۵	۲	۹	۱۴	۱۳	جمله ۲
۱۸	۱۴	۴	۲۱	۱۵	۰	۱۶	۱۵	۵	جمله ۳
۱۷	۱۱	۸	۳۴	۲	۰	۱۸	۱۶	۲	جمله ۴

با توجه به داده‌های مندرج در جدول ۲ می‌توان گفت که درک همه‌ی انواع جمله‌های حاوی ساخت‌های پیچیده‌ی نحوی منتخب از درجه‌ی دشواری نسبتاً بالایی بین آزمودنی‌ها برخوردار است. از نتایج جالب و قابل ذکر دیگر آن این است که با توجه به رده‌بندی سطح دشواری هر یک از نمونه‌ها، جمله‌های مجموعه دوم مربوط به موضوعات ورزشی بیشترین میزان دشواری را به خود اختصاص داده است و پس از آن جمله‌های مجموعه‌ی سوم مربوط به موضوعات اجتماعی و مجموعه‌ی اول مربوط به حوادث به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. به‌عنوان مثال جمله شماره (۳) مورد بررسی مربوط به موضوعات ورزشی علی‌رغم اینکه از تعداد بندهای کمتری برخوردار بوده است؛ اما کاربرد سه فعل منفی در یک جمله‌ی ناهمپایه، موجب شده آزمودنی‌ها قادر به تشخیص مفهوم جمله نبوده و بیشتر مرتکب خطا شوند.

❖ ماندن علیرضا منصوریان هم در روزهای اخیر باعث نشد که برخی از بازیکنان نفت این تیم را ترک نکنند تا نفتی‌ها از طرفداری زیادی برخوردار نباشند.

همچنین جمله ۴ مربوط به موضوعات ورزشی (مجموعه دوم) نیز به دلیل فاصله زیاد بین فاعل و فعل و نیز با آوردن چند موضوع متفاوت و مرتبط به هم مخاطب را در تشخیص منظور نویسنده دچار مشکل کرده است.

❖ اما سیل جمعیتی از هواداران فوتبال که به‌عنوان تیم ملی حامی و نگران نفت و سرنوشت آن در آسیا هستند، بیش از هر زمانی بسرنوشت این باشگاه تهرانی را در آسیا شبیه همه تیم‌های تضعیف شده ایرانی در مراحل بالاتر لیگ قهرمانان آسیا می‌بینند.

جمله‌ی (۴) مربوط به متن حوادث را نیز تنها دو نفر از آزمودنی‌ها قادر به درک آن به‌طور کامل شدند. می‌توان چنین استدلال کرد که نویسنده از طریق کاربرد فراوان عناصر زبانی و طولانی کردن جمله‌های همپایه و ناهمپایه قصد داشته منظور خود را کامل‌تر به مخاطب منتقل کند که این مسئله، خود درک خواننده را به میزان قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار داده است.

❖ وی ادعا کرد با توجه به ارتباطات خوبی که با سفارتخانه فرانسه دارد، به‌جای چند ماه انتظار برای گرفتن ویزا در کمتر از یک ماه و حتی چند هفته آن را برایم می‌گیرد و با این وعده من در چند مرحله و به بهانه‌های مختلف ۲۸ میلیون تومان به حساب‌های مختلف وی واریز کردم و او نیز هر بار ادعا می‌کرد به‌زودی ویزایم را به من می‌دهد.

داده‌های مربوط به ساختار جمله‌ها در متون منتخب مؤید آن است که متون مطبوعاتی به‌عنوان یکی از متون اصیل زبان خاص خود را دارند و در روزنامه‌ها قالب و موضوع‌های گوناگونی وجود دارد که ساختار، نگارش و کارکرد آن‌ها با توجه به اهدافی که دارند متفاوت است؛ بنابراین کاربرد بعضی از ساختارها بخشی از پیام و یا حتی کل آن را نامفهوم می‌سازد و مخاطب را در درک مطلب با مشکل و یا ابهام روبرو می‌کند. این موضوع با توجه به یافته‌های پژوهش در بعضی متون ازجمله متون ورزشی چشم‌گیرتر است. لذا با بررسی پاسخ‌های زبان‌آموزان طبق جدول شماره (۲) می‌توان گفت یک متن دارای یک سری نشانه‌ها است که به یک سری معانی و مفاهیم دلالت می‌کند و باعث می‌شود که افراد از آن متن یا موضوع، تأویل‌های مختلف داشته باشند و تعلق فارسی‌آموزان به فرهنگ‌های مختلف از لحاظ اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و ... باعث می‌شود ارتباط معنایی به‌طور کامل صورت نپذیرد. برای اینکه انتقال معنی به‌صورت کامل صورت گیرد باید متن واضح و روشن تنظیم شود و اطلاعات به زبان ساده و در حداقل ممکن به لحاظ ساختاری تدوین گردند.

۷. نتیجه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد یکی از مهم‌ترین نقش رسانه‌ها از جمله رسانه‌های نوشتاری و مطبوعات نقش آموزشی آن‌هاست. با توجه به آمار رو به افزایش فارسی‌آموزان جهت فراگیری زبان فارسی، استفاده از رسانه‌های نوشتاری به‌عنوان یکی از منابع کمک‌آموزشی ضروری است. چون زبان بارزترین نماد فرهنگی جامعه است، وظیفه‌ی ماست که با استفاده از همه امکانات و ابزارها و با بهره‌گیری از روش‌های نوین به تهیه و تدوین متون آموزشی مناسب در جهت آموزش مؤثرتر و بهتر آن اقدام نماییم. در حال حاضر در کلیه رشته‌های آموزش زبان، خواندن به‌عنوان یک واحد درسی مجزا مورد توجه قرار می‌گیرد و حتی در رشته آموزش زبان انگلیسی درس خواندن متون مطبوعاتی به‌نوعی زبان‌آموز را با متون روزنامه‌ای، مطبوعات و نشریات جامعه انگلیسی‌زبانان آشنا می‌سازد تا از مطبوعات به‌عنوان یک منبع کارآمد کمک‌آموزشی به غیراهل‌زبان بهره‌برداری شود. آنچه در اینجا حائز اهمیت است این واقعیت است که منابع آموزش زبان انگلیسی دارای طرح و برنامه‌های سنجیده‌ای هستند و از همه امکانات در زمینه آموزش زبان بهره می‌جویند از جمله بهره‌برداری از مطبوعات به‌عنوان یکی از منابع کمک‌آموزشی در محیط کلاس و یکی از دلایل موفقیت آن‌ها نیز همین امر است و نکته دیگر اینکه منابع آموزشی آن‌ها از سوی یک نهاد تألیف‌کننده اجرا می‌شود؛ اما با نگاهی به کتب آموزشی و کمک‌آموزشی موجود در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان شاهد کمبود مطالب آموزشی و کم‌رنگی تنوع در این زمینه هستیم. در صورتی که در کنار یک معلم آگاه به علم زبان‌شناسی و آموزش زبان وجود منابع و مطالب به‌روز در حوزه آموزش نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. آموزش زبان فرآیند پیچیده‌ای است و در موفقیت‌آمیز بودن آن عوامل متعددی دخیل است. چون اهداف آموزشی در قالب مطالب درسی عینیت پیدا می‌کند گزینش مطالب درسی و منابع کمک‌آموزشی تأثیر بسزایی دارد. همان‌طور که می‌دانیم در حوزه آموزش زبان باید تمام مؤلفه‌های زبان (واج‌شناسی، نحو، کاربردشناسی و غیره) را مد نظر قرار داد و غفلت از هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند در روند آموزش تأثیرگذار باشد لذا گزینش محتوای آموزشی یکی از بخش‌های اصلی و عمده آموزش است. همچنین در میان چهار مهارت اصلی آموزش زبان، خواندن مهارتی مهم به حساب می‌آید که موجب توانش ارتباطی زبان‌آموز می‌شود. اگر بپذیریم که بخشی از آموزش نیز در خارج کلاس درس صورت می‌گیرد باید گفت که رسانه‌ها، از جمله مطبوعات، امر آموزش دهی را حتی در خارج از کلاس بر عهده دارند هر چند متولیان و دست‌اندرکاران رسانه‌های همگانی به این امر واقف نباشند، اما واقعیت این است که تعلیم و تربیت از چارچوب انحصاری کتاب خارج شده و مفهوم گسترده‌تری پیدا کرده است. زبان رسانه‌ها اگر از نظر واژگان و ساختار در سطح مطلوبی باشند، می‌توانند مدرسه‌ای برای زبان‌آموزی محسوب شوند؛ زیرا با استفاده مداوم از آن‌ها واژگان و ساختارهای زبانی در ذهن نقش می‌بندد و مخاطبان توانایی آن را پیدا می‌کنند که نیازهای روزمره خود را از این طریق

برآورده سازند هرچند رسانه‌های گروهی بسیار هستند و اکنون رسانه‌های مجازی هم به آن‌ها اضافه شده‌اند ولی مطبوعات به دلیل داشتن مخاطبان عام هنوز مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند. لذا زبان مطبوعات به‌عنوان یکی از رسانه‌های همگانی و عامه‌پسند که با همه اقشار جامعه سر و کار دارد باید ساده و روان باشد و با حداقل کلمات، حداکثر معنای مورد نظر را برساند و تا حد امکان از خسته کردن خواننده پرهیزد و با ایجاد انگیزه از طریق شیوه نگارش باعث جذب خواننده شده و وی را به خواندن تشویق کند. جمله‌های کوتاه و پاراگراف‌های نه‌چندان بلند و شفاف بودن عبارات و ساختار زبانی نه‌چندان پیچیده از جمله ویژگی‌های زبان مطبوعات می‌تواند به حساب آید. به این منظور در این پژوهش، سعی کردیم ضمن معرفی ساخت‌های پیچیده پرسامند نحوی در مطبوعات ایران، میزان تأثیر متون مطبوعاتی را از منظر نحوی بر درک مطلب خوانداری فارسی‌آموزان نشان داده و مشخص سازیم، مطبوعات از جمله روزنامه‌های فارسی‌زبان تا چه اندازه می‌توانند از نظر زبانی قابلیت استفاده در محیط کلاس را به‌عنوان یک منبع کمک‌آموزشی داشته باشند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جدول (۱) که از بررسی ۱۵۰۰ جمله گزینش‌شده از سه روزنامه پرخواننده کشور به دست آمده است، نشان می‌دهد که کاربرد زیاد جمله‌های مرکب، جابجایی ارکان جمله، کاربرد زیاد جملات مجهول، عدم خروج بند موصولی در سازه‌های سنگین و حذف سازه‌ها از جمله مهم‌ترین و پرسامندترین الگوهای پیچیده نحوی بکار رفته در مطبوعات به حساب می‌آیند که از این میان بیشترین بسامد به جمله‌های مرکب ناهمپایه (۴۳٪، ۴۹٪ و ۵۲،۳٪ درصد به ترتیب در روزنامه‌های جام‌جم، همشهری و ایران) اختصاص دارد. از طرف دیگر، با توجه به داده‌های مندرج در جدول (۲) درک همه انواع نمونه‌های حاوی الگوهای پیچیده نحوی منتخب در هر سه روزنامه موردبررسی از درجه نسبتاً پایینی بین آزمودنی‌ها برخوردار بوده است؛ البته نکته شایان توجه آن است که هرچند جامعه غیرفارسی‌زبان در برخورد با متون روزنامه‌ای خطاهایی دارند اما خطاهای آن‌ها تنها ناشی از عوامل زبانی نبوده و ناآشنایی با بافت و عوامل فرهنگی نیز در احتمال وقوع این خطاها می‌تواند نقش داشته باشند ولی تحلیل و مقایسه عملکرد زبان آموزان در این زمینه نشان می‌دهد آگاهی نحوی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها، تأثیر معناداری بر درک مطلب خوانداری فارسی‌آموزان دارد. نتایج به دست آمده از عملکرد فارسی‌آموزان با توجه به داده‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که به جهت گستردگی متغیر ساختار ناهمپایه و جمله‌های طولانی در متون مطبوعاتی درک منظور اصلی نویسنده توسط غیرفارسی‌زبانان چندان آسان نبوده و مستلزم قرار گرفتن در بافتی ساده‌تر می‌باشد. با توجه به آمار به دست آمده از متون مطبوعاتی منتخب، وجود چنین ساختاری در دشواری انتقال اطلاعات و فهم مطالب نقش مؤثری دارند. لذا، این نتیجه با یافته‌های تحقیقات (اشتین و همکاران، ۱۹۸۴) همسو می‌باشد که مشکل افراد غیر ماهر را در خواندن به پردازش نحوی و اشکال در فراگیری ساخت‌های پیچیده نسبت می‌دهد. به عبارتی، رابطه یک به یک درک

جمله و درک نحوی به هنگام خواندن فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان تأیید می‌شود. دلیل این موضوع این است که غیرفارسی‌زبانان به‌عنوان خوانندگان غیر ماهر قادر به تشخیص قواعد و پیچیدگی‌های نحوی در جمله مورد نظر نبوده و تحت تأثیر نکات انحرافی در آن قرار می‌گیرند. یافته‌ها همچنین، دلالت بر آن دارند که درک خواندن فرآیندی فراتر از صرفاً پردازش در سطح واژگان است و مشکل آزمودنی‌ها تحت تأثیر ساختار نحوی جمله‌ها نیز قرار می‌گیرد. لذا بر پایه یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که آگاهی نحوی می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای میزان مهارت خواندن در نظر گرفته شود از طرف دیگر، نتایج این پژوهش هم‌راستا با پژوهش ذوالفقاری (۱۳۸۵) نیز می‌باشد که به آسیب‌شناسی متون مطبوعاتی پرداخته و انحراف از معیار را در ساختارهای زبان فارسی در سطوح مختلف زبانی نشان داده است. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت با وجود اینکه زبان روزنامه، این رسانه ملی، زبان معیار است اما ساختار پیچیده، مبهم و طولانی دارد که می‌تواند منجر به تأویل‌های متفاوت توسط زبان‌آموزان گردد. در این پژوهش به تعدادی از این ساختارهای پیچیده و بسامد استفاده از آن‌ها در تعدادی از روزنامه‌های پر خواننده فارسی‌زبان پرداخته شد و سعی کردیم با بررسی روزنامه‌های پر خواننده به‌عنوان یکی از متون اصیل به این مهم بپردازیم اما پیاده‌سازی محتوایی و مفهومی گسترده‌تر در این زمینه خود پژوهشی درخور و نیازمند فرصتی مبسوط است که در قالب یک مقاله نمی‌گنجد. هر چند که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در طراحی و انتخاب محتوای علمی و سنجیده برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دقت نظر لازم است. این پژوهش همچنین نشان داد مطبوعات در ایران آن‌چنان که در زبان انگلیسی به‌عنوان یکی از منابع آموزشی کارآمد مورد استفاده قرار می‌گیرند در راستای اهداف آموزشی در تدریس زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان از شرایط مناسب و بلوغ زبانی کافی برخوردار نیستند و این می‌تواند ابزار خوبی برای مؤلفان کتاب‌ها و منابع آموزش زبان فارسی باشد که برای ارتقاء توانایی درک خواندن، آگاهی نحوی به‌خصوص متغیرهایی که در این پژوهش مد نظر قرار گرفت، در کتاب‌های آموزشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. البته باید خاطر نشان ساخت که با توجه به حجم زیاد نسخه‌های مطبوعاتی در کشور و نیز از آنجاکه پژوهش حاضر تنها تعداد محدودی از ساختارهای پیچیده‌ی نحوی زبان فارسی را در رسانه نوشتاری مورد بررسی قرار داده است، نمی‌توان نتایج آن را با اطمینان به همه انواع رسانه‌های نوشتاری تعمیم داد.

منابع:

- انوری، ح و گیوی، ح. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۲. تهران: انتشارات فاطمی. (ویرایش چهارم)
 بهجت، م. (۱۳۸۴). *ابهام و ابهام در مطبوعات ورزشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- بهرامی، ز. (۱۳۸۸). بررسی زبان‌شناختی متون ساده شده و اصیل از منظر واژگانی، نحوی و نقش‌نماهای گفتمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- بازوکی، م. درزی، ع. دستجردی، م. سعادت‌تی شامیر، ا. ودانای طوسی، م. (۱۳۹۱). درک نحوی، حافظه فعال و درک متن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوازدهم، ۴۵: ۶۰-۸۱
- پیر جانی، ع. (۱۳۹۰). بررسی گروه‌های اسمی وصفی و اضافه‌ای در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- خیرآبادی، م. (۱۳۸۷). میزان حذف و جایجایی در مطبوعات فارسی و تأثیر آن بر درک خوانداری غیرفارسی‌زبانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۸۵). الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات، طرح پژوهشی به سفارش دفتر مطالعات و توسعه رسانه، مرکز تحقیقات زبان و ادب فارسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- رجایی، ح. (۱۳۸۹). تعیین واژگان پربسامد در رسانه‌های خبری فارسی‌زبان برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- رحیم‌پور، م. (۱۳۸۷). فرهنگ لغات و اصطلاحات رسانه‌های خبری (مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سایت‌های خبری). انتشارات دانشگاه تبریز.
- راسخ مهند، م. (۱۳۹۱). تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی، مجله پژوهشی زبانشناسی، سال چهارم، ۲۱-۴۶: ۵.
- راسخ مهند، م. (۱۳۸۵). ارتباط قلب نحوی و تأکید در زبان فارسی، مجله دستور، ۲: ۲۰-۳۲.
- غلامعلی زاده، خ. (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- فرخ، پ. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر ساده‌سازی متن بر درک مطلب خواندن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قانون پرور، م. (۱۳۸۷). فیلم‌های سینمایی ایرانی متونی فرهنگی برای تدریس فارسی به غیرفارسی‌زبانان. چکیده مقاله‌های همایش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. تهران.
- کشاورز منش، ن. (۱۳۹۳). فرضیه طبیعی و پیامدهای آن در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- وکیلی‌فرد، ا.ر.، کولی‌وندی، ا. و فاطمی‌منش، ع. (۱۳۹۲). بررسی بسامد تکرار زمان‌های دستوری در گفتار و نوشتار، در جستجوی اولویت‌های آموزشی دستور زبان فارسی. دو فصلنامه پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، سال دوم، ۵: ۹۹-۱۱۵.

Anderson, R. C. & Davison, A. (1988). *Conceptual and Empirical Bases of Readability Formulas*. Readability Issues Reconsideration. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Anderson, N. (1999). *Exploring second language learning strategies*. London: Heinle & Heinle.

Cain, K. & Oakhill, J. (2006). Profiles of children with specific reading comprehension difficulties. *Journal of Educational Psychology*, 76(4), 683-696.

- Cain, K, & Oakhill. J.** (2001). Comprehension Skill, inference- making ability, and their relation to Knowledge. *Memory & Cognition*, 76, 683-696.
- Karimi, S** (1989). *Aspects of syntax, specificity, and the Theory of Grammar*, Doctoral dissertation. University of Washington.
- Larsen-Freeman, D.** (2002) *Techniques and principles in language*. Oxford university press.
- Nagy, W. & Anderson, R.** (1987). Learning and meaning from context during normal reading. *American Educational Research Journal*. 24, 237-270.
- Nation. K, & Snowling, M.J.** (2000). Factors influencing syntactic awareness skills in normal readers and poor comprehension. *Applied Psycholinguistics*, 21. 226-241.
- Quirk, R. et.al.** (1985). *A comprehension Grammar of the English language*. London. Longman.
- Snow, C.** (2002). *Reading for understanding: toward an R & D program in reading comprehension*. Santa Monica, CA: Science and Technology Policy Institute, RAND Education.
- Stein, C. L, Cairns, H. S. & Zurif, E. B.** (1984). Sentence comprehension limitation related to syntactic deficits in reading-disabled children. *Applied Psycholinguistics*, 5, 305-322
- Tunmer. W. E, & Hoover, W.** (1993). Syntactic awareness and reading acquisition. *The British Journal of Developmental Psychology*, 5 (1), 25-34.
- Waltzman, D. E. & Cairns, H. S.** (2000). Grammatical knowledge of third grade good and poor readers. *Applied Psycholinguistics*, 21 (2) 263-284.
- Widdowson, H. G.** (1998). Context Community, and Authentic Language. *TESOL Quarterly*, 32(4), 705-716.